

مبانی تصوف از دیدگاه عارفان

دکتر محمد شریف ☆

Abstract:

Mysticism is the most important trends of the inner Islamic revelation examine the crystallization, that during the fourteen centuries of past the Islamic manifestations all one of the world have a very important. The second century onward to put the impact open structure of Islamic communities. The inner truth of the Islamic revelation is also the most important impact of Islamic thought from the philosophy, literature to the music and the architecture

In this article about the basic principles of mysticism, mysticism from practical and theoretical point of view, the theory of unity of existence and the unity of intuition, the theory of perfect man. Finds a spiritual guide, homage, self education. The term love in mysticism, the dignity and beauty of names, etymology and cause named mysticism in terms of historical speech-driven topics and as well as great like gnostics.

Key words:

Basic Islamic mysticism, mystical literature, love in mysticism, the theory unity of existence and unity of intuitions.

مقدمه:

معرفت عرفانی، نور رحمت الهی است که به قلب سالک پرتو می افکند و

☆ رئیس گروه فارسی، دانشگاه سرگودها، سرگودها

تمامی قوای انسانی را در اشعه نورانی خود محو و مستهلک می سازد. تصوف مهم ترین تبلور ساحت اندرونی وحی اسلامی است که طی چهارده سده گذشته در سراسر جهان اسلامی تحلیلات بسیار مهمی داشته و سده دوم ق/هشتم میلادی به بعد تأثیر آشکاری بر ساختار جوامع اسلامی گذاشته است. این حقیقت درونی وحی اسلامی همچنین مهم ترین تأثیر را در اندیشه اسلامی، از فلسفه شعر و ادب تا موسیقی و معماری داشته است. برجسته ترین نوشته های ادبی عربی، فارسی، ترکی و دیگر زبانهای اسلامی مخصوصاً در قلمرو شعر نتیجه اثر تصوف است. از نوشته های سهروردی (مقتول ۵۸۷ق)، ملا صدرا (م ۱۰۵۰ق) و ملا هادی سبزواری (م ۱۲۸۹ق) و بسیاری دیگر از فلاسفه برجسته ایران از نفوذ آراء صوفیه دارد.

تصوف یا عرفان اسلامی، در معنای معرفت کشفی و شهودی و علم حضوری به حق تعالی، و اتصاف به صفت خداوند، تخلق به اخلاق الهی و نیل به مقام قرب و فنا بقاء، ریشه در کتاب و سنت، یعنی آیات الهی و سیره نبوی ﷺ دارد. از این رو، تصوف را می توان حقیقت و باطن اسلام دانست که در بستر این دین شکل گرفت و در گذر تاریخ، مانند دیگر اسلامی بالید.

کلا بادی درباره اشتقاق واژه صوفی این طور می نویسد:

اشتقاق از صوف، به معنی پشم که درست ترین، مشهور ترین و پر طرفدار ترین نظریه است بر این مبنای، واژه تصوف از ریشه صوف، به معنی پشمینه پوش است. پشمینه پوشی، آیین انبیا و صدیقان، و نشان اولیا و اصفیا و مساکین بوده است. سهروردی نیز صوف را لباس انبیا می شمرد و می گوید که پیامبر اکرم ﷺ و همچنین عیسی علیه السلام لباس پشمی می پوشیدند. (کلا بادی، محمد، ۲۰)

هجویری اهل کمال را صوفی، و طالبان ایشان را متصوف می داند. وی همچنین اهل تصوف را در سه گرو جای می دهد: صوفی، متصوف و مستصوف. صوفی از خود فانی و به حق باقی، و از قبضه طبایع رسته و به حقیقت حقایق پیوسته است، در حالی که متصوف می کوشد تا بدین مقام و مرتبه دست یابد و در این مسیر، از شیوه سلوک صوفیان پیروی می کند. اما مستصوف کسی است که به طمع دستیابی

به مال و جاه و حظ و دنیا خود را به ایشان همانند می کند، در حالی که هم از مقام صوفی و هم از مرتبه متصوف بی خبر است. به باور او، صوفی صاحب وصول، متصوف صاحب اصول و مستصوف صاحب فصول است. (هجویری، ۴۰)

تصوف در سده نخست هجری به صورت زهدی بود که سر منشا و نقطه آغازین آن را باید در حیات و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب خاص آن حضرت جست و جو کرد. برخی از صحابه، از جمله اصحاب صفه، به ویژه سلمان فارسی، ابو ذر غفاری و حذیفه بن یمان در شمار زهاد نخستین بودند. برجسته ترین نماینده تصوف در دوره تابعین، حسن بصری (م ۱۱۰ ق/ ۷۲۸ م) بود و او را می توان سر حلقه ارتباط زهاد اولیه با تصوف، و سر سلسله اتصال صوفیان با صحابه به شمار آورد.

عارفان پس از حسن بصری را می توان به دو گرو تقسیم کرد: عارفان مکتب او، یعنی مالک دینار، فرقد سبخی و دیگر عارفان مستقل از مکتب حسن بصری که بیشتر خراسانی اند و از آن جمله می توان رابعه عدویه (م ۱۳۵ ق/ ۷۵۲ م)، ابراهیم ادهم (مقتول ۱۶۰ یا ۱۶۶ ق)، شفیق بلخی (مقتول ۱۹۴ ق)، فضیل عیاض (م ۱۸۷ ق) و معروف کرخی (م ۲۰۰ ق) را نام برد.

مالک دینار (م ۱۳۱ ق) معرفت الهی را مهم ترین چیزی می دانست که نفس باید به آن مشغول باشد و دوستی دنیا را مغایر با حلاوت ذکر به شمار می آورد و شرط رسیدن به درجه صدیقان را دوری از همسر می شمرد.

فرقد سبخی (م ۱۳۱ ق) نیز اهل خوف بود و به شدت از حاکمان و اهل دنیا پرهیز می کرد.

ابو نعیم درباره رابعه عدویه می گوید:

رابعه عدویه (م ۱۳۵ ق/ ۷۵۲ م) از جمله عارفان مستقل از حلقه حسن بصری است. وی یکی از پر آوازه ترین عارفان مسلمان، و از نخستین صوفیانی است که شهرتش مرزهای جهان اسلام را در نوردید و ادبیات اروپایی راه یافت. او نخستین کسی بود که به صراحت از عشق و محبت الهی سخن به میان آورد و آن را زلی و ابدی خواند. (ابو نعیم اصفهانی، ۱۹۵)

میر عابدینی در خصوص ابراهیم ادھم می فرماید:

ابراہیم ادھم (مقتول به سال ۱۶۰ ق / ۷۷۶ م) نمونه زهد و ترک و تجرد بود و بر مخالفت با نفس اصرار می ورزید و به شدت از شهرت می گریخت۔ افزون بر آن، بر کسب حلال و ارتزاق از دست رنج خود بسیار تاکید می کرد۔ (میر عابدینی، ۱۴) فضیل بن عیاض (م ۱۸۷ ق) از دیگر صوفیان خراسانی بود که در آغاز میان ابیورد و سرخس دزدی می کرد، اما به دنبال جذبہ ای الہی، گام در سلوک نهاد و از سرآمدان عصر خود شد۔ فضیل از معاشرت با مردم کراہت داشت و خلوت بی تفرقہ خود را بر تشویش دیدار خلق ترجیح می داد۔ ۵

معروف کرخی (م ۲۰۰ ق) از عارفان طبقہ اول به شمار می رود، به قول فریدالدین عطار (مقتول ۶۱۸ ق)، وی به دست امام رضا (ع) توبہ کرد و در شمار بزرگان در آمد۔ او را به صفت زهد و فتوت ستوده اند۔ صوفیان بیشتر بر زهد و ریاضت و خوف، و همچنین توکل و فقر تاکید می کردند و کمال سعادت را در زیستن بدون هیچ تعلق دنیوی می دانستند۔ اما در عین حال، زهد آنان، زهدی عاشقانه، و مقدمہ محبت و معرفت حق بود۔

سدہ های سوم۔ پنجم قمری / نهم۔ یازدهم میلادی عارفان بزرگی چون بایزید بسطامی (م ۲۶۱ ق / ۸۷۴ م)، ذوالنون مصری (م ۲۴۵ ق / ۸۹۵ م)، جنید بغدادی (م ۲۹۷ ق / ۹۱۰ م)، ابو سعید خراز، سهل بن عبداللہ تستری (م ۲۸۳ ق / ۸۹۵ م)، ابو الحسن نوری (م ۲۹۵ ق / ۹۰۷ م)، حکیم ترمذی و منصور حلاج (مقتول به سال ۳۰۹ ق / ۹۲۱ م) به ظهور رسیدند و از اندیشه ها و تعالیم عرفانی بلند آنان، ادبیات عرفانیہ تدریج شکل گرفت و آثار مهم عرفانی پدید آمد۔

سری سقطی (م ۲۵۴ ق) شاگرد معروف کرخی و استاد و دایی جنید بود۔ او بر شفقت به خلق بسیار تاکید می کرد و معتقد بود بجز زهد و ریاضت، شفقت به خلق و ایثار نیز برای نجات ضروری است۔ (جامی، ۳۵)

هجویری در مورد ذوالنون مصری، بایزید بسطامی و جنید بغدادی می فرماید:

ذوالنون مصری (۲۴۵ق / ۸۵۹م) از شخصیت‌های عرفانی مهم بوده. وی او را یکی از برجسته‌ترین (اخفیا از اهل معنا) می‌خواند. (هجویری، ۱۲۴)

بایزید بسطامی (۲۶۱ق / ۸۷۴م) مانند عارفان بی بدیل تاریخ تصوف، از بزرگان مکتب عرفانی تصوف خراسان، و اهل سکر بود. هجویری وی را یکی از ۱۰ امام معروف تصوف می‌داند و او را (محب العلم و معظم الشریعة) می‌خواند. (هجویری، ۱۳۲)

جنید بغدادی (۲۹۸ق / ۹۱۰م) نیز از بزرگان مکتب بغداد و اهل صحو بود، وی نزد سری سقطی (۲۵۶ق / ۸۷۰م) سلوک کرد و در این راه به پایه‌ای رسید که او را شیخ مشایخ در طریقت و امام ائمه در شریعت، و مقبول اهل ظاهر و ارباب القلوب خوانده‌اند و سبب تاکیدش بر توحید و معرفت، او را (ارباب توحید) نیز شمرده‌اند. وی نماینده برجسته مکتب صحو، یعنی صحو ثانی بود. (هجویری، ۱۶۱)

ابو سعید خراز (۲۸۶ق / ۸۹۸م) و ابو الحسن نوری (۲۹۵ق / ۹۰۷م) نیز از عارفان بزرگ مکتب بغداد و از مریدان سری سقطی بودند. مقام قرب، محور تعالیم ابو سعید خراز را تشکیل می‌دهد. به گفته او، حقیقت قرب پاکی دل از ماسوای الله و آرام یافتن آن با حق تعالی است. (قشیری، ۲۳۶)

ابوالحسن نوری (۲۹۵ق / ۹۰۷م) نیز از جمله عارفانی بود که از عشق الهی سخن به میان آورد، چندان که او را زندق خواندند. (نویا، ۲۷۳)

سهل بن عبدالله تستری (۲۸۳ یا ۲۸۶ق / ۸۹۵-۸۹۸م) نیز از صوفیان نامدار بود که بر اجتهاد و مجاهدت نفس، و خلوت‌گزینی تاکید می‌کرد. از تستری تفسیری بر جای مانده است که یکی از تفاسیر عرفانی مهم و قدیمی قرآن به شمار می‌رود. (هجویری، ۱۷۵)

سرور، طه عبدالباقی پیر امون حسین بن منصور حلاج می‌گوید:

حسین بن منصور حلاج (مقتول به سال ۳۰۹ق / ۹۲۱م) یکی از برجسته‌ترین و پر آوازه‌ترین، و به تعبیری پر شورترین و جنجالی‌ترین صوفیان بود که نام و آوازه‌اش از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشت و حکایت عشق او و بردار شدنش تاثیر گذارترین و الهام بخش‌ترین واقعه تاریخ تصوف شد. (سرور، ۱۹)

زرین کوب راجع به شبلی می نویسد:

شبلی (م ۳۳۴ق / ۹۴۵م) از صوفیان خراسانی تبار، از شاگردان جنید و از اقران حلاج بود، اما شور و مستی، او را از مرگ رهانید. سخنان بسیاری از او در باب محبت و عشق، و فقر و معرفت باقی مانده است. (زرین کوب، ۱۵۲)

تصوف در دامن وحی اسلامی و بر اساس شریعت محمدی، برای بندگانی که در همین دنیا طالب رسیدن به معشوق الهی و کسب معرفت حق بوده اند، راهی ایجاد کرده است که آن را طریقت نامیده اند. منشا تصوف ساحت درونی قرآن کریم و حقیقت باطنی پیامبر اکرم ﷺ و به ویژه نیروی ولایت است که از جانب حق به او القا شده است. پیامبر اسلام هم نبی ﷺ بود و هر چند با در گذشت او دایره نبوت به پایان رسید.

مکتب بغداد، دومین مکتب مهم تصوف در خراسان شکل گرفت و بزرگترین شخصیت‌های تاریخ تصوف مانند: شفیق بلخی (م ۱۷۴ق / ۷۹۰م)، ابرهیم ادهم (م ۱۶۰ق / ۷۷۶م) و بزرگترین آنان بایزید بسطامی به ظهور رسیدند، این مکتب، بر خلاف مکتب بغداد که صحو را بر سکر ترجیح می داد، بیشتر به سکر گرایش داشت و از طریق شخصیت‌های چون ابوالحسن خرقانی (م ۴۲۵ق / ۱۰۳۴م)، ابو سعید ابو الخیر (م ۴۴۰ق / ۱۰۴۸م)، احمد غزالی (م ۵۲۰ق / ۱۱۲۵م) و عین القضاة همدانی (م ۵۲۵ق / ۱۱۳۱م) تأثیر عمیقی نه تنها بر تاریخ تصوف، بلکه همچنین بر زبان فارسی و حتی بر گسترش اسلام در نواحی شرقی و مرکزی آسیا گذاشت. در این دیار بود که زبان صوفیانه فارسی پرداخته شد و با سنایی (متوفی بین سالهای ۵۲۵-۵۴۵ق)، عطار (مقتول به سال ۶۱۸ق) و مولانا جلال الدین (م ۶۷۲ق / ۱۲۷۳م) به اوج خود رسید. نظر پردازان تصوف در سده های نخستین نیز بیشتر از دیار خراسان بودند.

در سده های سوم و چهارم کتابهای مفصل تری درباره تصوف نوشته بودند که آثاری مانند اللمع ابو نصر سراج، قوت القلوب ابو طالب مکی و رساله قشیریه ابو

القاسم قشیری (م ۴۶۵ق / ۱۰۷۲م) نوشته شد. این نوع نوشته ها مکمل کتابهای چون طبقات الصوفیه سلمی و حلیة الاولیاء ابو نعیم اصفهانی بودند که با احوال و اقوال صوفیه به تالیف در آمدند.

زبان فارسی نیز به تدریج برای بیان آثار تعلیمی تصوف به کار گرفته شد و آثاری همچون کشف المعجوب هجویری، ترجمه رساله قشیریه و چند اثر خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق / ۱۰۸۸م) پدید آمد. کار برد نثر فارسی برای بیان اصول تصوف با کتاب سوانح احمد غزالی (م ۵۲۰ق / ۱۱۲۵م) به مرحله جدیدی گام گذاشت و از آن پس، گرچه زبان عربی برای بیان اصول تصوف نظری و اخلاق صوفیانه بود و خود ایرانیان در بسیاری از موارد به آن زبان می نوشتند، اما زبان فارسی در کنار عربی به زبان اصلی برای بیان حقایق تصوف تبدیل گردید.

در سده پنجم تصوف در ساختار علمی و آموزشی جهان اسلام رخ نمود و با توجه به این که یکی دیگر از عارفان و عالمان دینی برجسته خراسان، ابو حامد محمد غزالی (م ۵۰۵ق / ۱۱۱۱م) به ایجاد آشتی کامل میان شریعت و طریقت در عالم تسنن پرداخت و به مدد تصوف روح جدیدی در اخلاق اسلامی دمید و در این کار موفقیت شگرفی به دست آورد. کتاب احیاء علوم الدین وی هنوز مهم ترین کتاب اخلاق و ادب عرفانی در جهان اسلام است و خلاصه فارسی آن، که بدست خود غزالی نوشته شد و کیمیای سعادت نام دارد، از شاهکارهای نثر فارسی به شمار می رود.

از سده ششم به بعد مرحله جدیدی از تاریخ تصوف آغاز گردید، نخستین طریقه های صوفیه به دست عارفان بزرگی مانند عبد القادر جیلانی (م ۵۶۱ق / ۱۱۶۶م) به وجود آمد. از سده هفتم به بعد تصوف نظری به صورت منسجم توسط محیی الدین ابن عربی (م ۶۳۸ق) و پیروان مکتب او مانند صدر الدین قونوی (م ۶۷۳ق / ۱۲۷۴م) شکل گرفت. توحید زیر بنای اعتقادات صوفیه توحید است که البته محور اصلی اسلام و هر آنچه اسلامی است، محسوب می شود.

شیخ محمود شبستری عارف معروف سده هشتم در باره توحید این طور می گوید:

یکی بین و یکی گوی و یکی دان
بدین ختم آمد اصل و فرع ایمان

(شبستری، ۱۰۳)

تصوف، اعم از نظری و عملی را می توان در پرتو اصل توحید نگریست و توحید را هدف اصلی تصوف به شمار آورد و حقیقت واحد را سر چشمه و خاستگاهی دانست که تجلیات آن از راه وحی قرآنی به دست متصوفه رسیده است. واژه عرفان نیز که در سده اخیر در ایران زیاد به کار برده شده است، چیزی جز علم به توحید نیست و می توان آن را جنبه نظری تصوف و تفسیر درونی کلمه طیبه لا اله الا الله دانست که این خود عالی ترین نحوه بیان توحید است. (ابن عربی، ۲۸۸)

نسفی در کتاب خود پیرامون اصطلاح وحدت الوجود این طور نوشته است:

اصطلاح وحدت وجود همه جا با نام ابن عربی همراه است، اما وی خود این ترکیب را به کار نبرده است و باید نخستین کار برد های آن را در آثار ابن سبعین و پیروان ابن عربی جست و جو کرد. (نسفی، ۱۵۹)

روزبهان بقلی در مورد معنی وحدت الوجود می گوید:

معنی وحدت الوجود امری شهودی است، نه استدلالی. همان گونه که حقیقت در تصوف یافتنی است و نه بافتنی، وحدت وجود که قلب تصوف است.

(روز بهان بقلی، ۲۶۹)

پس از سده هفتم قمری آثار صوفیانه به علم تصوف می پردازند، بیشتر مبتنی بر بحث در خصوص معنی وحدت وجودند. نظریه وحدت وجود نه تنها در میان فقیهان، بلکه در میان بعضی از صوفیان نیز مخالفاتی داشته است. یکی از نظریاتی که در مقابل وحدت وجود مطرح گردید (نظریه وحدت شهود است) که به نقد علاء الدوله سمنانی

عارف سده هشتم از ابن عربی باز می‌گردد. (علاء الدوله سمنانی، ۱۹۱) وحدت شهود در ایران و سرزمینهای عربی نداشت و بیشتر در هندوستان بود که مورد توجه برخی از صوفیه قرار گرفت. این تعبیر با نام احمد سرهندی از صوفیان به نقشبندی سده ۱۱ ق همراه شده است.

آملی درباره نبوت و انسان کامل می‌نویسد:

توحید و نبوت در اسلام از ارکان اصلی دین به شمار می‌رود، در تصوف نیز نظریه وحدت وجود و نظریه انسان کامل - که اولی تعبیر درونی توحید و دومی معنای درونی نبوت است - دو رکن اساسی عقاید صوفیه را تشکیل می‌دهد. مفهوم انسان کامل نیز مانند نظریه وحدت وجود به صورت يك اصطلاح در سده هفتم قمری مطرح گردید. البته در تصوف بالا ترین مقام انسان کامل از آن پیامبر اکرم ﷺ است که هم نبی و هم راهنمای راه توحید، و هم اسوه حسنه است. (آملی، ۱۶۷)

جیلی راجع به اسماء جلال و جمال می‌فرماید:

اسماء الهی در آثار صوفیان به اسماء جلال و اسماء جمال تقسیم می‌شود که گروه اول با جنبه هیبت، عدل و عزت الهی سرو کار دارد و گروه دوم به رحمت، محبت، کرامت و مغفرت حق مربوط می‌شود. بعضی از صوفیه اسماء کمال را نیز به اسماء جلال و جمال افزوده اند. (جیلی، ۸۹)

تصوف عملی: قلب تصوف عمل به اصولی است که جنبه نظری آن در آثار صوفیه آمده است و صوفیان گفتار معروف (العلم بلا العمل کشجرة بلا الثمر) را این گونه تعبیر می‌کنند که نفس دانش درباره تصوف به مثابه درختی است که باری نمی‌دهد. نخستین گام در عمل به تصوف یافتن مرشد است که دارای شرایط لازم باشد و پس از طی مراحل طریق بتواند دیگران را در این راه هدایت کند، چنان که در داستان قرآنی، حضر موسی علیه السلام را راهنمایی کرد. از این رو ست که در ادبیات صوفیانه

فارسی، از مرشد به عنوان خضر راه بسیار سخن به میان آمده است۔ در کتابهای صوفیه درباره ویژگیهای مرشد حقیقی مطالب فراوانی آمده است۔ بیعت مرحله بعد از یافتن یک مرشد و مربی معنوی، بیعت کردن مرید با اوست۔ قرآن کریم می فرماید: (ان الذین یبایعونک انما یبایعون اللہ) (قرآن، سوره فتح/ ۴۸ / ۱۰)

عبادی در خصوص عشق و عقل می گوید:

در تصوف اصطلاح عشق را۔ که قرآنی نیست۔ علاوه بر اصطلاح محبت۔ که در کتاب آسمانی به صورت فعل آمده است۔ به کار می برند و توضیح صوفیان این است که عشق حالت افراط دارد و از این رو، قرآن کریم به کار بردن آن اجتناب کرده است۔ به هر حال، بسیاری از صوفیان عشق را بالا ترین حقیقت می دانند۔ (عبادی منصور، ۱۷۰)

هدف نهایی تصوف عملی وصول به حق است و این وصال نیازمند تسلیم به مشیت خداوند و اجرای احکام شرعی، و نیز عشق بی حد و شرط به معشوق، و معرفت به حق است که از راه خود حق به دست می آید، از این رو، در تصوف از عارف بالله سخن به میان آمده است۔ عمل به تصوف در درجه اول توسط فرد به تنهایی صورت می گیرد۔ انسان تنها به دنیا می آید، تنها می میرد و در تنهایی با خداوند، دل او به نور حق آراسته می شود۔ مجالس صوفیه هم از مهم ترین جنبه های عملی تصوف، و هم از بر جسته ترین تجلیات فرهنگ معنوی در تمدن اسلامی به شمار می آید۔

نوشته هایی صوفیان مشتمل بر مهم ترین و جهانی ترین آثار ادبی اسلامی است و امروزه توجه جهانی به ادبیات فارسی، به برکت ادبیات صوفیانه است، شاید بتوان گفت که هیچ تمدنی به اندازه تمدن اسلامی شاهکارهای ادبی عرفانی ندارد و این امر در زبانهای مختلف ملل اسلامی، به ویژه زبان فارسی که از این جهت سر آمد آنهاست، مشهود است۔ بزرگ ترین شاعران عرب، ترک، سندی و بنگالی مسلمان از صوفیه بوده اند۔ تصوف تاریخی طولانی دارد که به آغاز اسلام باز می گردد، ولی امروز نیز مانند دیروز تصوف مهم ترین سهم را در گسترش اسلام به ویژه در غرب دارد۔

کتابشناسی

- قرآن کریم سوره فتح/۴۸/۱۰
- آملی، حیدر (۱۳۵۲ش)، المقدمات من کتاب نص النصوص، به کوشش هانری کرین و عثمان اسماعیل یحیی، انتشارات طوس، تهران
- ابن عربی، محیی الدین (۱۴۰۸ق)، التحلیات الالهیه ج ۲ به کوشش عثمان اسماعیل یحیی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- ابو نعیم اصفهانی، احمد (۱۴۰۹ق)، حلیة الاولیاء، ج ۶، انتشارات دارالکتب العربی، بیروت۔ بدوی، عبد الرحمان (۱۹۷۸م)، تاریخ التصوف الاسلامی، المطبوعات الكويت، کویت
- بجنوردی، کاظم موسوی (۱۳۷۸ش)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، تهران
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۰ش)، نفحات الانس، به کوشش محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران
- جلیلی، عبدالکریم (۱۳۹۰م)، الانسان الكامل، ج ۱، الندوة الاسلامیه، قاهره
- روزبهان بقلی (۱۳۴۴ش)، شرح شطحیات، به کوشش هانری کرین، انتشارات طهوری، تهران
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳ش)، ارزش میراث صوفیه، انتشارات امیرکبیر، تهران
- سرور، طه عبدالباقی (۱۳۷۳ش)، حلاج شهید تصوف اسلامی، ترجمه حسین درایه، انتشارات امیرکبیر، تهران
- شبستری، محمود (۱۳۶۸ش)، گلشن راز، به کوشش صمد موحد، انتشارات اقبال، تهران
- عبادی، منصور (۱۳۴۷ش)، التصفیه فی احوال المتصوفه، به کوشش غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی، تهران
- علاء الدوله سمنانی (۱۳۶۶ش)، جهل مجلس، به کوشش نجیب مایل هروی، انتشارات امیرکبیر، تهران

- قشیری، ابو القاسم (١٩٤٨ م)، الرسالة القشيرية، انتشارات المكتب الاسلاميه، قاهره
- کلابادی، محمد (١٤٠٠ ق)، التعرف لمذهب اهل التصوف، به کوشش عبد الحلیم محمود، طه عبد الباقي سرور، انتشارات مكتبة الثقافة الدينية، بيروت
- مير عابدینی، ابو طالب (١٣٧٤ ش)، ابراهیم ادهم، انتشارات مولی، تهران
- نسفی، عبد العزیز (١٣٤٤ ش)، کشف الحقایق، به کوشش احمد مهدوی دامغانی، انتشارات بنگاه، تهران
- نويا، پل (١٣٧٣ ش)، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- هجویری، علی (١٣٥٨ ش)، کشف المعجوب، به کوشش ژوکوفسکی، انتشارات سروش، تهران

